

جنگهای تریاک در افغانستان

نویسنده- Alfred W McCoy

پروفسور تاریخ در:

University of Wisconsin-Madison

ایالات متحده آمریکا



برگردان: محمد عارف عرفان

لندن- مورخ ۱۱ اپریل ۲۰۱۰

* * *

تاریخ ارسال به «اصالت»:

Sun, April 11, 2010 19:42

مسایلی که تا کنون از انظار اکثر ناظرین سیاسی بدور مانده است، عبارت است از گیر افتیدن اداره بارک اوباما در یک چرخشگاه بی پایان "مرگ" و "مواد مخدر" در افغانستان بوده که برای آن نه آشکارا راه خروج و نه به سهولت راه پایان دیده میشود.

بعد از یکسال مباحثات احتیاط آمیز و جا بجایی پرهزینه نیروهای مسلح، آقای اوباما در ۱۳ فبروری سال روان استراتژی جدید جنگی خویش را در یک ساحه دور دست در «مارکیت شهری» مارجه در حوزه جنوبی افغانستان یعنی ولایت هلمند براه انداخت. طوریکه شمار زیاد هلیکوپترها در حومه مارجه دیسانت گردید و در میان برانگیختن انبوهی از گرد و خاک، صدها تن از سربازان ارتش امریکا از بالای زمین های خشخاش بسوی حصار های "گلی" که در خود صد ها لابراتوار تولید هیروئین را پنهان نموده بود سرازیر گردیدند؛

بعد از یک هفته نبرد قوماندان نظامی ایالات متحده امریکا، جنرال مک کریستال با همراهان خویش، معاون رییس جمهور افغانستان و والی هلمند به منظور جلب توجه رسانه ها در مورد

استراتژی جدید نظامی، و تسلط حاکمیت در قراء دور دست کشور مثل "مارجه" به سرعت نمایان گردید.

قوماندانان امریکایی که در یک متینگ و ملاقات احتیاط آمیز دو صد نفری که با خشم و اعتراض روستایان و تحدید شان در مورد برنامه زدایش کشت خشخاش مواجه شده بودند بطور عجیبی از اینکه مارجه با داشتن صد ها لابراتوار هیروئین در میان منازل که بطور منظم پروسس خشخاش و تولید هیروئین را پیش میبرد و لقب "پایتخت هرئین" جهان را به خود تخصیص داده است، بیخبر جلوه مینمودند. رویهمرفته مزارع مربوط به هلمند "۴۰" فیصد تولیدات خالص تریاک جهان را احتوا نموده که تجارت مقدار زیاد این محصولات در مارجه صورت می گیرد. چنانچه یک کارمند سفارت ایالات متحده امریکا در کابل که ساحه مورد نظرا مورد تفتیش قرار داد خاطرنشان ساخت: «شما بدون مهار ساختن تولیدات هیروئین در هلمند، به جنگ پیروز نخواهید شد».

به سلسله واکنش های قبلی پیرامون موضوع خشخاش، مشاور امنیت ملی ایالات متحده امریکا James L Jones به خبرنگاران اطمینان داد که آقای اوباما تلاش خواهد نمود تا آقای کرزی را برای او لویت بخشیدن مبارزه در جهت مبارزه با فساد و تجارت مواد مخدر که به منزله ماشین اقتصادی برای شورشیان میباشد، تشویق نماید.

با توجه به عکس العمل زارعین مارجه در برابر قوماندانان عمومی ایالات متحده امریکا و برهم زدن پروگرام خبری اش، این محصولات خشخاش آنها بوده که برای مدت ۳۰ سال، تمام رژیم ها را در افغانستان سرنگون نموده است. در جریان "جنگ مخفی" سیا در سال های ۸۰، این تریاک بود که به تامین کننده وجوه مالی مجاهدین مبدل شده و اتحاد شوروی را مجبور به خروج ساخت و باعث سقوط نظام طرفدار شوروی در افغانستان گردید.

در اواخر سالهای ۱۹۹۰، حینیکه گروه طالبان نیروی خویش را در اکثر نقاط کشور چیره نموده بود، چانس مشروعیت خویش را در برابر جوامع جهانی به علت حمایت آن گروه از تولید و تجارت مواد مخدر و مفادی را که ازین معاملات بدست می آوردند، از دست داد. و بعدا بطور عجیبی، زمانیکه برعکس جریان قبلی، زرع خشخاش را ممنوع ساختند، فقط چند ماه بعد از آن از قدرت ساقط شدند.

بعد از مدخله ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۰۱ در افغانستان، تشدید معاملات تریاک در کشور، حا کمیت کابل را فاسد نموده و در عین زمان باعث تقویت نیروی طالبان و کنترل بیشترشان در ولایات کشور شده است ؛

با پید گفتم که تداوم جنگ های مستمر در افغانستان باعث رشد بیرحمانه محصولات تریاک در کشور گردیده چنانچه میزان محصولاتی که در سال ۱۹۷۹ بالغ بر ۲۵۰ تن بود، در سال ۲۰۰۷ به ۸۲۰۰ تن ارتقا نمود. که در حال حاضر ۵۰٪ محصولات ناخالص ملی را احتوا نموده ۹۰٪ هیروئین جهان را تولید و تهیه میدارد؛

در سالهای اخیر فارم های خشخاش که هر گاه از یکسو به تعداد «۵۰۰۰۰۰» فامیل افغان را که تقریباً ۲۰٪ نفوس کشور را در بر می گیرد، تغذیه نموده، در عین زمان باعث ایجاد بنیاد مالی برای طالبان نیز شده که شبکه های آنها از سال ۲۰۰۶ در اطراف کشور توسعه یافته است.

سوالی را که وا شنگتن طی «۹» سال اخیر از آن ظفره رفته است باید پرسیده شود که آیا کسی بطور تمام عیار "کشور مخدر" مثل افغانستان را آرام خواهد توانست؟

جواب این سوال جدی، مرتبط است به تاریخ سه جنگ افغان که وا شنگتن طی ۳۰ سال اخیر در آن درگیر بوده است. جنگ مخفی سیا در سالهای ۱۹۸۰، جنگ های تنظیمی سالهای (۱۹۹۰ که در آغاز بوسیله سیا ۹۰۰ میلیون دالر هزینه مالی گردید)، و تجاوز و اشغال افغانستان بوسیله امریکا در سال ۲۰۰۱ و کمپاین مبارزه با تروریسم؛

در هر یکی از این جنگ ها، ایالات متحده امریکا، تجارت مواد مخدر را با متحدین افغانی خود، به قیمت پیروزی نظامی خویش، همراهی نموده است. البته پالیسی ملایمی که اکنون افغانستان را به کشور نمبر یک مواد مخدر در جهان مبدل نموده است؛

توسعه مزارع خشخاش که بوسیله جنگ مخفی سیا علیه اتحاد شوروی در افغانستان آغاز یافت، به حیث نیروی کلیدی در سیاست افغانستان در جنگ مخفی سیا علیه اتحاد شوروی و سرانجام در برخی از عملیات های مخفی در نوار کوهستانی آسیا که ساحات «۸۰۰۰» کیلومتر را از ترکیه تا تایلند احتوا مینماید ظاهر گردید؛

در اواخر سالهای ۴۰ زما نیکه جنگ سرد نیرو می گرفت ایالات متحده امریکا، برای بار اول آزمایش مخفی را در شکم "کمو نیسم آسیائی" بکار برد. پس از آن برای مدت ۴۰ سال جنگ های موفقانه را در این نوار کوهی در سال ۱۹۵۰ در برما «میانمار» در سال ۱۹۶۰ در لائوس و افغانستان در سال ۱۹۸۰ بسر رسانید. در یک تصادم مشهور تاریخی، کشور کمونیستی چین و اتحاد شوروی در عین نوار کوهستانی این زون تریاک بطور همزمان قرار گرفتند که پای "سیا" را در میان متحدین مشکوک و جنگ سالاران پر قدرت منطقه می کشانید.

جنگ اول واشنگتن علیه افغانستان در سال ۱۹۷۹، زما نیکه اتحاد شو روی بر افغانستان تجاوز (!) نمود سعی کرد تا رژیم مارکسیستی (!) را در کابل حمایت نماید، آغاز گردید. در کابل فرصتی برای اداره ریگن پدیدار گردید تا انتقام خویش را از دشمن دوران جنگ سرد خود ستانیده و بدینوسیله اداره ریگن بطور نزدیک با دیکتاتور پاکستان در یک کمپاین ده ساله سیا، کار نمود تا شوروی ها را از افغانستان خارج نماید؛

این هر چند بر خلاف سایر جنگ های سرد، یک عملیات مخفی بود، اما قبل از همه، تصادم عملیات مخفی سیا و جنگ اتحاد شوروی، باعث ویرانی محیط شکننده کشور کوهستانی و خساره مند ساختن جبران نا پذیر زراعت عنعنوی و رشد تجارت جهانی مواد مخدر گردید. سازمان سیا بر خلاف سال های جنگ در کشور های لائوس و ویتنام که جنگ مخفی را در اختیار خود داشت، اینبار سازمان سیا قسمت زیاد عملیات های خویش را به سازمان استخباراتی پاکستان «آی اس آی» محول نمود که به زود ترین فرصت به نیروی بزرگ و متحد جنجال بر انگیز مبدل گردید ؛

زما نیکه "آی اس آی"، هوادار خویش حکمتیار را به حیث رهبر عمومی مقاومت در جنگ علیه شوروی پیشنهاد نمود واشنگتن با چنین الترناتیف اظهار موافقت کرد که در جر یان ۱۰ سال آینده سا زمان سیا حدود دو بلیون دالر برای مجاهدین افغان از طریق "آی اس آی" تدارک نمود که البته نصف آنرا برای حکمتیار کسیکه بنام شرارت پیشه و بنیادگرا، و تیزاب پاش بر روی دختران دانشگاه کابل و قاتل رهبران مقاومت اپوزیسیون شهرت یافته بود اختصاص داد ؛

زما نیکه عملیات سیا در ماه می ۱۹۹۰ دچار اشکالات گردید، وا شننگتن پست در سر مقاله خویش منتشر ساخت که حکمتیار عملیات شبکه لا برا توار هیروئین را در داخل پاکستان تحت حفاظت "آی اس آی" به پیش میبرد.

هر چند این ساحات، در اواسط سال های ۱۹۷۰ قا بلیت تو لید اندک هیروئین رابه خود اختصاص نموده بود، اما جنگ مخفی سیا به حیث "کتلیست" ساحه مرزی "افغانستان - پاکستان" را به منطقه بزرگ هیروئین جها نی مبدل نمود، طوریکه جنگ جویان مجاهدین ساحات عمده را در داخل افغانستان در او ایل سال های ۱۹۸۰ تصرف نمود، ایشان جمع آوری تکس "انقلابی" خشخاش را از طریق دهاقین هوادار خویش آغاز نمودند؛

زما نیکه جنگجویان افغان تریاک را در نوار مرزی انتقال نمودند، آنها تریاک متذکره را برای لابراتوار های هیروئین که تحت حفاظت "آی اس آی" فعالیت مینمودند بفروش میرسانیدند. میان سالهای ۱۹۸۱- ۱۹۹۰ تو لید تر یا ک افغانستان به مقدار ده برابر رشد

نمود و از مقدار ۲۵۰ تن به «۲۰۰۰» تن ارتقا یافت. فقط پس از دو سال حمایت مخفی "سیا" از جنگجویان افغان، دادستان کل ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۸۱ اعلام داشت که پاکستان به منبع تا مین کننده ۶۰٪ هیروئین شهروندان امریکا مبدل شده است. در ساعات اروپا و روسیه هیروئین "افغان - پاکستان"، به زودی بخش اعظم مارکیتهای منطقه را به خود جلب نموده و در حالیکه در داخل پاکستان تعداد معتادین به رقم صفری خویش در سال ۱۹۷۹ قرار داشت، فقط پنج سال بعد تر، این رقم به ۱،۲ میلیون تن ارتقا نمود.

بعد از سرمایه گذاری ۳ بلیون دالر برای ویرانی افغانستان، واشنگتن در سال ۱۹۹۲ افغانستان را ترک کرد و در عقب خویش یک افغانستان ویرانه را با یک میلیون کشته، ۵ میلیون مهاجر و حدود ۱۰-۲۰ میلیون مابین زمینی، تاسیسات ویران، اقتصاد ورشکسته، جنگ سالاران مسلح قبایلی که آماده جنگ با هم در را بطه با کنترل پایتخت اند، بجا گذاشت. حتی زما نیکه بالاخره واشنگتن هزینه جنگ مخفی سیا را در پایان سال ۱۹۹۱ قطع نمود، اما "آی اس آی" پاکستان تلاش نمود تا از جنگ سالاران محلی مورد نظر خویش حمایت نموده تا اهداف دایمی خویش را برای برقراری رژیم مورد نظر در کابل تعقیب نماید؛

تریاک سالاران، "ازدهها دندانان" جنگ جویان دوران سالهای ۹۰، جنگ سالاران بیرحم محلی با امکانات سلاح و تریاک، در یک توطئه شیطنت آمیز، به حیث بخشی از مبارزه بیرحمانه برای قدرت، همه پدیده های بو دند که مثل که این "ازدهها دندانان" مانند افسانه های باستانی در خاک افشاند شده بودند و قادر بودند تا بطور ناگهانی در میان هر نوع ارتش مجهز جنگ جویان، کسانیکه با شمشیر جنگ از زمین پدید آمده بودند، پرش نمایند.

زمانیکه سرانجام نیروهای مقاومت شمال کابل را از تصرف رژیم کمونست (!) که مدت سه سال پس از خروج نیروهای شوروی مقاومت کرد، بیرون نمود، پاکستان هنوز هوادار خویش حکمتیار را حمایت مینمود. وی توپخانه جنگی خویش را در اطراف شهر محاصره شده کابل جا بجا نمود، که باعث قتل ۵۰ هزار افغان دیگر گردید، اما با آنها، تناسب این کشتار بزرگ و تاریخی، نتوانست تا سر نوشت حکمتیار این بنیاد گرای بد نام را بر اورنگ قدرت در کابل تسجیل نماید، لذا «آی اس آی» نیروی جدیدی را بنام طالبان مسلح ساخت که در سپتامبر سال ۱۹۹۶ کابل را تصرف نمودند تا محض با نیرو های اتحاد شمال برای مدت پنج سال در دره های شمالی پایتخت جنگ نمایند؛

در جریان این جنگ به ظاهر پایان پذیر، جناح های رقیب بطور عمده بر تولید تریاک تکیه نمودند تا هزینه جنگ را عمدتاً با از دیاد میزان دو برابر تریاک یعنی ارتقای ۴۶۰۰ تن در سال ۱۹۹۹ تدارک نمایند. در جریان دوده جنگ و ۲۰ برابر افزایش میزان تولید مواد

مخدر، افغانستان خود به آهستگی از کشور دارای سیستم متعدد زراعتی، مالداری و باغداری و تولید و توزیع بیش از ۶۰ نوع محصولات زراعتی، به اولین کشور که اقتصادش محض بر بیگانه مواد ناخالص مخدر متکی گردید، انتقال یافت؛ و محیط شکننده انسانی اش بطور بیسابقه ویران گردید؛

رژیم طالبان پس از تصرف قدرت در سال ۱۹۹۶ باعث تشویق زرع خشخاش در سراسر کشور گردیدند، که در این رویکرد حجم تولید تریاک را دو چند ساخته و آنرا به ۴۶۰۰ تن معادل ۷۵٪ هیروئین جهان افزایش بخشیدند. رژیم طالبان با ارائه سیگنالهای حمایتی از تولیدات مواد مخدر به جمع آوری ۲۰٪ مالیات از تولید سالانه تریاک مبادرت نموده که بدینوسیله حدود «۱۰۰» میلیون دالر، سالانه نفع بر داری مینمودند.

در جریان سالهای ۱۹۹۰، افزایش میزان محصولات تریاک در افغانستان، باعث تجارت قاچاق بین المللی گردید که حوزه آسیای مرکزی، روسیه و اروپا را به مارتریک سلاح، مواد مخدر و مارتریک "پول قاچاق"، پیوست ساخت. این پدیده همچنان باعث وقوع شورشهای قومی در ساحه ۵۰۰۰ کیلومتر از پاکستان در آسیای مرکزی تا بوسنیا در حوزه بالکان گردید؛

مگر در جولای سال ۲۰۰۰ ملا عمر رهبر طالبان بطور ناگهانی فرمان قطع کامل کشت خشخاش را به منظور کسب شناسایی حکومت اش از جانب کشورهایی صادر نمود، که بطور قابل ملاحظه عمدتاً شب هنگام، رژیم طالبان با کاربرد ستم بیرحمانه یعنی رویشهای را که به آن شهرت داشت، بکار برد تا اینکه محصولات تریاک را از میزان ۹۴٪ به ۱۸۵ تن کاهش داد. اما در نتیجه با توجه به اینکه بخشهای بیشتر افغانستان به سیستم مالیاتی خشخاش، عواید صادراتی و مشاغل کاری به آن وابسته شده بود، در عمل ممنوع ساختن کشت خشخاش حکم "خودکشی اقتصادی" را داشت که قبلاً جامعه ضعیف افغانستان را به پرتگاه سقوط کشانیده بود. در واقع این یک سلاح اشتباه آمیزی بود که ایالات متحده آمریکا از آن در هنگام عملیات نظامی اش در اکتوبر ۲۰۰۱، خوب استفاده نمود که در نتیجه رژیم بدون تریاک قبلاً به گلوله توپ میانتهی میگردید. به انفجار نخستین بمبهای آمریکایی متلاشی گردید.

برگشت سیاه تریاک و فعالیتهای ضد دهشت انگیز برای شکست طالبان پس از حادثه یازده سپتمبر، باعث شد تا "سی آی ای" بطور موافقانه توانست تا جنگ سالاران سابق و تاجران هیروئین را سازماندهی نموده تا شهرها و قصبهات را در مناطق شرقی افغانستان تصرف نمایند. به عبارت دیگر سازمان سیا و متحدین محلی آن موقعیت ایده آل را برای بازگشت

مجدد تریاک و احیای مجدد قاچاق مواد مخدر که در زمان طالبان منع شده بود، ایجاد نمودند. فقط چند هفته بعد از سقوط طالبان، ما مورین، از فوران کشت خشخاش در هلمند «قلب هیروئین» و ننگرهار خبر دادند.

بعد از سه ماهه گذاری مبلغ ۳ میلیارد دلار برای ویرانی افغانستان در هنگام جنگ سرد، واشنگتن و متحدین اش حالا برای احیای مجدد، جهت تامین فوند مالی به اقدام خسیسانه و ممسکانه مبادرت ورزیده، چنانچه در کنفرانس "توکیو" در سال ۲۰۰۲، دونران بین المللی تنها تادیه مبلغ ۴۴ میلیارد دلار را از رقم ۱۰ میلیارد دالرمورد ضرورت برای بازسازی افغانستان طی جریان پنج سال، مورد تصویب قرار دادند،

علاوه بر آن مبلغ ۲۲ میلیارد دلار پول مصرفی ایالات متحده امریکا طی سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۷، به طور سریع به بخش های فعالیت های نظامی چرخش نمود که بطور نمونه تنها مبلغ ۲۳۷ میلیون دلار از مجموع کل پول متذکره در بخش زراعت تخصیص یافت. (طوریکه در عراق مقدار هنگفت از هزینه ساختمانی در کیسه قرار دادیان خارجی و دلان داخلی شان سرازیر گردید).

تحت چنین شرایط هیچ کس نباید تعجب نماید که در جریان سال اول تجا و زامریکا بر افغانستان، تولیدات تریاک افغانستان به ۳۴۰۰ تن ارتقا نمود. در جریان ۵ سال دونران جامعه جهانی با دید مبلغ ۸ میلیارد دلار برای احیای مجدد افغانستان کمک می نمودند، در حالیکه تولید تریاک دو برابر این مبلغ افزایش نمود، و مبلغ ۱۴ میلیارد دالرمستقیمادراقتصاد روستای بدون تصرف آن از جانب متخصصین غربی و حکومت بیرونی کرا تیک کابل داخل گردید.

بعد از ۵ سال اشغال افغانستان بوسیله امریکا، تولیدات مواد مخدر افغانستان، به یک تناسب بی سابقه ارتقا نموده است، در اگست ۲۰۰۷ ملل متحد راپور داد که ساحه محصولات تریاک حدود ۲۰۰۰۰ هکتار را تحت پوشش قرار داده است البته ساحه که بزرگتر از تمامی ساحه مورد زرع کوکائین در امریکای لاتین است. از مقدار ۱۸۵ تن در آغاز تجاوز امریکا در افغانستان، این رقم به ۸۲۰۰ تن تریاک ارتقا نمود که ۵۳٪ محصولات ناخالص ملی و ۹۳٪ هیروئین جهان را در بر میگیرد؛ که به این طریق افغانستان به صورت واقعی به اولین "کشور مخدر" جهان مبدل گردید. هرگاه ترافیک کوکائین در کشور کوئلمبیا ۳٪ عواید ناخالص ملی را احتوا نموده و آن را به یک کشور ضعیف و شرارت پان پذیر، با "کارتل" های نیرومندی که قادر اند تا حکومت آن کشور را به فساد گسترده آغشته نمایند، پس حالا ما باید عواقب تاثرات آنرا در کشور افغانستان که بیش از ۵۰٪ محصولات کامل اقتصادی کشور را در بر میگیرد به سنجش بکشایم؛

در ماه مارچ در یک کنفرانس مواد مخدر در کابل، رییس فدرال سرویس مواد مخدر کشور روسیه تخمین کرد که میزان ارزش محصولات تریاک در افغانستان در حال حاضر به «۶۵» میلیارد دلار ارتقا نموده که از جمله آن مبلغ بزرگ تنها ۵۰۰ میلیون آن به کیسه دهاقین، ۳۰۰ میلیون آن به کیسه جنگ جوین طالب و «۶۴» میلیارد دلار آن به جیب مافیای مواد مخدر سرانبر شده که بدینوسیله منبع بزرگ مالی را تدارک جسته تا حکومت کرزی را با ملتی که محصولات ناخالص ملیش تنها ۱۰ میلیارد دلار است به چالش کشیده، به فساد آغشته نماید.

در حقیقت تا ثیرات معاملات تریاک چنان سرایت بخش است که بسیاری ما مورین افغان، از رهبران محلی گرفته تا رئیس پولیس کابل، تا وزیر دفاع و برادر رئیس جمهور آقای حامد کرزی در تجارت آن درگیر شده اند. این فساد چقدر سرطانی و فلج کننده است که بطور گنج کننده براساس تخمین اخیر ملل متحد، افغانها از پرداخت مبلغ «۲،۵» میلیارد دلار رشوه (برای ما مورین حکومت - م) رنج میبرند. به طوری که چندان تعجب انگیز تلاشهای اخیر حکومت برای قلع و قمع تریاک از طریق ملل متحد مورد سوءظن واقع شده است، چنانچه ملل متحد آنرا «معاملات فساد میان صاحبان زمین، سران محلی و تیم نا بود سازی» نامیده است؛

بعد از ریکارد محصولات در سال ۲۰۰۷، تولیدات تریاک در حقیقت طی سال گذشته از رقم ۸۲۰۰ تن به ۶۹۰۰ تن کاهش نمود (هنوز بالاتر از ۹۰٪ تولیدات تریاک در جهان). تحلیلگران ملل متحد این رقم کاهش ۲۰٪ را به تلاشهای محو سازی کشت خشخاش نسبت داده که به احتمال قوی عوامل اصلی آن از اشباع کامل هیروئین در مارکیت های جهانی نشئت نموده که از ارتقای رشد سرسام آور تولید تریاک در افغانستان سرچشمه گرفته و باعث تنزل ۳۴٪ نرخ آن در مارکیت های جهانی شده است؛ حتی با اینهمه با وجود این کاهش، تولید تریاک افغانستان بالاتر از میزان تقاضای جهان که بر اساس تخمین ملل متحد سالانه ۵۰۰۰ تن میباشد، احراز موقعیت نموده است؛

راپورهای مقدماتی سال ۲۰۱۰ در خصوص تولید تریاک افغانستان که زرع آن ماه آینده آغاز می یابد، مبین آنست که مشکل مواد مخدر در افغانستان رفع شدنی نیست. برخی از مامورین ایالات متحده امریکا که از نزدیک "قلب تریاک" در هلمند را بازدید نموده اند، از علامت توسعه کشت خشخاش در آن ولایت سخن می رانند. حتی متخصصین ملل متحد که تداوم کاهش مواد مخدر در افغانستان را پیشبینی نموده بودند اکنون نسبت به این تمایل، چندان خوشبین بنظر نمی رسند.

قیمت مواد مخدر در افغانستان ممکن برای مدت چند سال کاهش نماید اما قیمت محصولات گندم و دیگر محصولات عمده ممکن بیشتر و سریعتر از آن سقوط نموده و خشخاش به حیث پرمفعت ترین محصول برای دهاقین بی بضاعت افغانستان باقی خواهد ماند.

برای پایان بخشیدن چرخ مرگ و مواد مخدر با اینهمه نیروهای "اژدها دندان" که در خاک افغانستان قرار دارد، چنان مینماید که واشنگتن در میان این چرخ بی پایان مرگ و مواد مخدر گیر مانده است. هر بهار سال در میان کوه های بزرگ و مرتفع، برف ها ذوب میشوند، دانه های خشخاش جوانه میزنند و نیروهای تازه نفس طالبان به مزارع می ریزند، تعداد زیاد بوسیله آتش مرگبار توپخانه امریکای ها جان می سپارند، سال بعد برف ها دوباره آب می گردند. خشخاش های تازه بر زمین می رویند و نیروهای جوان طالب علیه امریکایی ها سلاح بر میدارند، که خونریزی زیادی را در قبال میداشته باشد. این چرخ برای مدت ۱۰ سال مکررا در چرخش بوده است و تا اینکه تغییرات عمده بوقوع نپیوندد این سناریو تا لایتناهی سیر خواهد نمود.

منبع: آسیا تا یمز-مورخ اول اپریل ۲۰۱۰

www.esalat.org